



بررسی غیبت فوتبالبست‌های ایرانی در ترکیب تیم منتخب سال ۲۰۲۵ قاره آسیا

خبری از پیشرفت نیست

سینا حسینی / غیبت ستارگان فوتبال ایران در ترکیب تیم منتخب آسیا در سال ۲۰۲۵، بیانگر افت محسوس آنها در قیاس با ستاره‌های آسیایی شاغل در لیگ‌های معتبر جهان است. شاید در نگاه اول، نحوه گزینش فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال از برترین بازیکنان قاره آسیا در سال ۲۰۲۵ چندان حائز اهمیت به نظر نرسد و برخی آن را انتخابی سلیقه‌ای قلمداد کنند، اما تحلیل این اتفاق در کنار آنچه پیش‌تر از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا رقم خورده است، نشان می‌دهد بازیکنان فوتبال ایران مدت‌هاست از چرخه بازیکنان تراز اول قاره کهن خارج شده‌اند و با تداوم این روند، نمی‌توان انتظار کامیابی آنها را در جمع

برترین‌های قاره آسیا داشت. قرار گرفتن پنج بازیکن از کشور ژاپن، سه بازیکن از کره جنوبی، دو بازیکن از عربستان و یک بازیکن از ازبکستان در این فهرست، نشان می‌دهد این انتخاب بر مبنای موفقیت در لیگ‌های معتبر و میزان تأثیرگذاری در زمین فوتبال صورت گرفته و هیچ اثری از گزینش سلیقه‌ای در آن مشاهده نمی‌شود. کاهش متناذر سهم بازیکنان ایرانی در ترکیب تیم‌های معتبر باشگاهی اروپا، افت محسوس لژیونرهای ایرانی و ناکامی باشگاه‌های حرفه‌ای ایران در مسابقات آسیایی، از جمله عوامل تأثیرگذار در این گزینش به شمار می‌رود که به هیچ وجه نمی‌توان به سادگی از کنار آن عبور کرد.



علی موسوی، مهاجم اسبق تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران»:

با این کیفیت توان رقابت با غول‌های آسیا و جهان را نداریم

نباید در باد صعود به جام جهانی بخوابیم

مهری رنجبر / علی موسوی، مهاجم اسبق تیم ملی که سابقه بازی در یایر لورکوزن و فورتونا کسن را در کارنامه خود دارد، با اشاره به غیبت سؤال‌برانگیز بازیکنان ایرانی در فهرست برترین‌های فوتبال آسیا، روزهای روشنی را برای فوتبال ایران متصور نیست. مهاجم سابق استقلال و تیم ملی در گفت‌وگو با «ایران» و در واکنش به

یعنی اعتقاد دارید این ناکامی ریشه در نتایج فوتبال ما در قاره آسیا دارد؟

بله. تیم ما در سال ۱۹۹۶ که سوم آسیا شد، پنج بازیکن در تیم منتخب داشت. سال ۱۹۹۸ هم با قهرمانی در آسیا، تقریباً همه بازیکنان در تیم منتخب قرار گرفتند. اما در سال‌های اخیر، وقتی نه تیم ملی و نه هیچ تیم باشگاهی ایرانی در آسیا روی سکو افتخار فوتبال داشت بازیکنان، این اتفاق نشان‌دهنده درجا زدن و حتی عقبگرد

با وجود اینکه تیم فوتبال ایران در رده‌بندی فیفا در رده بیستم جهان قرار دارد، اما چرا هیچ‌یک از بازیکنان ما در ترکیب تیم منتخب ۲۰۲۵ آسیا نیستند؟ این اتفاق اصلاً عجیب نیست. وقتی ما در ۱۴ سال اخیر قهرمان آسیا نشده‌ایم و حتی تیم دوم یا سوم قاره هم نبوده‌ایم، با تیم‌های باشگاهی‌مان در آسیا روی سکو نرفته‌اند و تنها افتخار فوتبال ما راهیایی به جام جهانی بوده، نباید توقع داشته بازیکنی از ایران در تیم منتخب آسیا حضور داشته باشد.

نیاز ضروری به تغییرات اساسی در ساختار فوتبال

فوتبال ایران در چند سال اخیر از منظر ساختاری، روزبه‌روز ضعیف‌تر شده است. در این سال‌ها، فوتبال کشور در زمینه پرورش استعدادها درجه‌یک با چالش بزرگی مواجه بوده که مهم‌ترین دلیل آن به منافع مالی باشگاه‌ها بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که فرآیند بازیکن‌سازی در باشگاه‌ها به‌شدت تحت تأثیر ملاحظات مالی قرار گرفته است. در واقع، امروز برای بسیاری از باشگاه‌ها و حتی بازیکنان، منفعت مالی اولویت بیشتری نسبت به توسعه فنی و آینده‌سازی دارد. تقریباً اکثر باشگاه‌ها از به‌کارگیری مربیان استعدادیاب برای کشف و پرورش استعدادها جان غفلت می‌کنند و حتی در مواردی که بازیکن جوان و مستعدی نیز شناسایی و ساخته می‌شود، حمایت لازم از او صورت نمی‌گیرد؛ چرا که باشگاه‌ها

عبدالله ویسی در گفت‌وگو با «ایران»:

فوتبال آسیا منتظر ایران نمانده و نمی‌ماند

پریسا غفاری / فدراسیون جهانی تاریخ و آمار فوتبال، تیم منتخب سال ۲۰۲۵ قاره آسیا را اعلام کرد؛ تیمی که در آن نام هیچ بازیکن ایرانی دیده نمی‌شود. عبدالله ویسی، مربی فوتبال، در واکنش به این اتفاق، در گفت‌وگو با «ایران» می‌گوید: «حقیقت تلخ آن است که فوتبال آسیا منتظر ایران نمانده و نمی‌ماند؛ بنابراین وقتی در جمع بهترین‌ها حضور نداریم، به‌تدریج از دایره توجه نیز خارج می‌شویم.»

وی با اشاره به شرایط فعلی لیگ و تیم ملی

به اعتقاد صاحب‌نظران و کارشناسان، برای رهایی از وضعیت کنونی، اتخاذ استراتژی هدفمند در حوزه مدیریت و همچنین اصلاح سبک زندگی فوتبالبست‌های ایرانی نیاز است؛ به‌گونه‌ای که تنها با اجرای دقیق و منظم این دو اصل می‌توان بار دیگر به جمع برترین‌های قاره آسیا راه پیدا کرد. با این حال، تکرار مسیر کنونی نه‌تنها راه گریزی از این وضعیت باقی نخواهد گذاشت، بلکه به‌تدریج جایگاه فوتبال ایران را در معرض آسیب‌های جدی‌تری قرار خواهد داد که رهایی از آن به هیچ وجه آسان نخواهد بود. بی‌شک ایجاد تغییر در روند فعلی نه‌تنها می‌تواند به اقتصاد و موفقیت فوتبال کمک کند، بلکه می‌تواند نقش تأثیرگذاری در آینده

هیچ مقام و افتخار مهمی ندارند و حالا در باد صعود به جام جهانی خوابیده‌اند.

چرا باید اینکه قبلاً فوتبال ایران لژیونرهای زیادی در لیگ‌های معتبر اروپایی داشت، حالا خبری از حضور ایرانی‌ها در تیم‌های مطرح اروپا نیست؟

الان به هر بازکنی که در لیگ‌های خارجی بازی می‌کنند لژیونر می‌گویند؛ حتی اگر آن لیگ، افغانستان یا مالدیو باشد. در صورتی که لژیونر واقعی بازیکنی است که در چهار تیم اول لیگ‌های معتبر اروپایی مثل آلمان، انگلیس، اسپانیا و ایتالیا بازی کند. این روزها اگر هر فوتبالبستی مدیر برنامه داشته باشد، می‌تواند در لیگ‌های هلند، پرتغال و ایتالیا بازی کند. حتی در لیگ روسیه هم فقط دو تیم اول سطح بالایی دارند و بقیه تیم‌ها در حد تیم‌های لیگ برتر ایران هستند. بازیکنان ژاپنی و کره‌ای در تیم‌های معروف دنیا توپ می‌زنند و حتی بازیکنان عربستانی با وجود داشتن لیگ داخلی قوی، در تیم‌های خوب اروپایی بازی می‌کنند. فوتبال ایران بیشتر درگیر بدلیه‌هاست و با وجود پول‌هایی که رد و بدل می‌شود، بازیکن قابل توجهی ساخته نشده است.

چرا باید این‌طور باشد؟ بی‌برنامگی از رده نوجوانان تا تیم‌های بزرگسالان فوتبال ایران موج می‌زند. در حالی که در فوتبال دنیا برنامه‌ریزی از تیم‌های پایه شروع می‌شود و تا تیم بزرگسالان ادامه دارد، در ایران این‌گونه نیست. بازیکنی که در تیم نوجوانان می‌درخشد، ناگهان ناپدید می‌شود و کسی هم از او خبر ندارد. یا بازیکنی که در تیم امید نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند، یک‌باره تمام می‌شود. نبود برنامه باعث می‌شود بازیکنان رده‌های پایه راه شوند. در ایران نه‌تنها برای بازیکنان پایه برنامه‌ای وجود ندارد، بلکه امکاناتی هم که در اختیار تیم‌های نوجوانان قرار می‌گیرد، در حد صفر است و قابل رقابت با امکانات مدارس و آکادمی‌های فوتبال دنیا نیست. با این کیفیت توان رقابت با غول‌های آسیایی و تیم‌های بزرگ جهان را نداریم.



خارجی از کیفیت بهتری نسبت به گذشته برخوردار بوده‌اند، اما همچنان از میان پنج بازیکن خارجی، دست‌کم دو بازیکن با پیشرفت برخوردارند. این در حالی است که بازیکنان خارجی می‌توانند به‌جای عقد قرارداد با بازیکنان خارجی بی‌کیفیت، فرصت بیشتری در اختیار بازیکنان جوان قرار دهند تا شرایط فنی آنها به‌مراتب بهبود یابد. در وضعیت کنونی، فوتبال ایران در عمل خالی از ستاره شده است و در تیم ملی، مهدی طارمی و سردار آزمون تنها ستاره‌های باقی‌مانده محسوب می‌شوند. سردار آزمون به‌دلیل مصدومیت، وضعیت نامشخصی دارد و مهدی طارمی نیز با نوسان‌هایی در عملکرد خود مواجه است. از سوی دیگر، بازیکنان جوان هنوز به سطح استاندارد نرسیده‌اند که بتوانند به‌عنوان مهره‌های اصلی و تعیین‌کننده در تیم ملی ایفای نقش کنند. بی‌تردید، عدم حضور فوتبالبست‌های ایرانی در لیگ‌های درجه‌یک اروپا ارتباط مستقیمی با افت فوتبال ایران دارد. در مقطعی که محمد مایلی‌کهن هدایت

فوتبال ملی نیز داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که در رده‌های مختلف تیم‌های ملی، می‌توان با اتکا به استعدادهای نوظهور، در برابر حریفان ستنی، در زمین مسابقه هم با رویکردی پیروزمندانه گام برداشت. موفقیت ژاپن، کره جنوبی، عربستان و ازبکستان نشان‌دهنده آن است که در آینده‌ای نه‌چندان دور، فاصله آنها با فوتبال ایران به مراتب کمتر از اختلاف فعلی خواهد شد و اگر نسبت به این روند بی‌تفاوت باشیم، سرزشت ناخوشایندی در انتظار فوتبال ملی و باشگاهی کشور در پیش است. در چنین شرایطی، فوتبال ایران به‌تدریج به فوتبالی آماتور تبدیل خواهد شد که پیامد آن، عقب‌ماندگی در عرصه بین‌المللی

هیچ مدتی طارمی و سردار آزمون، دو لژیونر ملی پوش مطرح تیم ملی هم در ترکیب منتخب نیستند.

مهدی طارمی در یونان بازی می‌کند؛ لیگی که جزو لیگ‌های درجه دو اروپا محسوب می‌شود و نباید انتظار داشت او به تنهایی بار تیم ملی را به دوش بکشد. او البته قبلاً بسیار موفق بود، اما حالا ستنش بالا رفته و متأسفانه همین مسأله باعث شده مثل گذشته نباشد. با این روند، بعید نیست چند وقت دیگر فوتبال ایران به سمت نگران‌کننده‌ای برود. علیرضا جهانبخش نیز در یکسال اخیر دچار افت محسوسی شده است.

منظور از امکانات، نبود زمین چمن استاندارد است یا مربی؟

جدای از زیرساخت‌ها، ما حتی از نظر مربی هم در آکادمی‌ها و مدارس فوتبال مربی کاربلد نداریم. معمولاً آموزش را به مربیانی می‌سپارند که نه فوتبال بازی کرده‌اند و نه آموزش اصولی را بلد هستند. در لوکرزن، وقتی عمر بازی یک فوتبالبست تمام می‌شود، او در مدرسه فوتبال و آکادمی باشگاه مشغول به کار می‌شود، اما در ایران چنین چیزی وجود ندارد. آنجا ۲۲ مربی کار می‌کردند و اینجا ۱۲۰ نفر. در ایران با اینکه آکادمی‌ها درآمد خوبی دارند، اما کار حرفه‌ای روی بازیکنان انجام نمی‌دهند. بازیکن‌سازی در عمل فراموش شده و فوتبال را درست و اصولی به بچه‌ها آموزش نمی‌دهند. معمولاً تمرین‌ها در بدترین ساعت روز و روی چمن مصنوعی برگزار می‌شود. همه این اشتباهات تأثیر منفی دارد.

قبلاً که خبری از مدارس فوتبال و آکادمی نبود، استعدادها بیشتر بودند. یعنی حالا استعداد داریم؟

قبلاً شرایط فرق می‌کرد. ما زمین‌های خاکی داشتیم که بازیکنان از صبح تا شب در آن بازی می‌کردند؛ زمین‌هایی که نبود مدارس فوتبال را جبران می‌کرد و تأثیر زیادی روی پیشرفت تکنیکی بازیکنان داشت. بازیکنان آن قدر توپ می‌زدند که فوتبالبست‌های تکنیکی به باشگاه‌ها معرفی می‌شدند، اما حالا خبری از زمین فوتبال نیست. فقط مدارس فوتبالی وجود دارد که در آن هیچ کار استعدادیابی واقعی انجام نمی‌شود و بازیکنان اغلب با سفارش یا پول پدر و مادرشان بالا می‌آیند؛ بازیکنانی که تکنیکی نیستند.

تیم ملی را برعهده داشت، بسیاری از بازیکنان جوان همچون مهدی مهدوی‌کیا، زنده‌یاد مهرداد میانیوند و فرهاد مجیدی به میدان رفتند و نسل جدیدی از فوتبال ایران شکل گرفت؛ نسلی که سالیان متمادی برای فوتبال کشور افتخارآفرینی کرد. فوتبال ایران پس از آن نیز نسلی موفق با بازیکنانی مانند جواد نکونام را تجربه کرد، اما در نسل فعلی، بازیکنان درجه‌یک به‌ندرت یافت می‌شوند. با توجه به این شرایط، فوتبال ایران به‌جای حرکت در مسیر پیشرفت، دچار پسرفت شده است و اغراق نخواهد بود اگر فوتبال ایران را در حال حاضر، فوتبالی در سطح درجه دو قاره آسیا بدانیم. فدراسیون فوتبال برای نجات این رشته از سرزشت نگران‌کننده کنونی، ناگزیر است به‌صورت جدی به توسعه و نوسازی زیرساخت‌ها بپردازد و همچنین باشگاه‌ها را بر اساس معیارها و الزامات کنفدراسیون فوتبال آسیا (AFC) سامان دهد تا به‌تدریج فوتبال حرفه‌ای در ایران شکل منسجم‌تری به‌خود بگیرد و مسیر پیشرفت دوباره هموار شود.

بیماتر می‌شود. به‌جای دشمن تراشی، بهتر است چهار کارشناس واقعی و متخصص را کنار هم بنشانیم و مشکلات فوتبال را به‌صورت دقیق کالبدشکافی کنیم.»

عبدالله ویسی در ادامه تأکید کرد: «باید همانند ازبک‌ها و ژاپنی‌ها، برای دوره‌های آتی جام جهانی، جوانان و لژیونرهای باکیفیت پرورش دهیم. انتخاب‌های درستی برای تیم ملی و بدون دخالت عوامل بیرونی داشته باشیم. باور کنید استعدادها خیلی خوبی در فوتبال ایران وجود دارد، به شرط آن‌که با برنامه‌ریزی اصولی پیش برویم و بتوانیم فوتبال کشور را دوباره به روزهای خویش بازگردانیم. تحقق همه این موارد، نیازمند همت و اراده‌ای جدی و عالی است.»

غیبتی که دیگر عجیب نیست



مهدی پاشازاده
مربی فوتبال

نکته نگران‌کننده فوتبال ایران این است که نه‌تنها در تیم منتخب سال AFC نماینده‌ای نداریم، بلکه در مراسم بهترین‌های سال آسیا نیز سال‌هاست به یک غایب همیشگی تبدیل شده‌ایم؛ غیبتی که دیگر تعجب‌برانگیز نیست و درست همین عادی‌شدن، بزرگ‌ترین افت است. فوتبالی که سرشار از استعداد است، اما با سیستمی فرسوده دست‌وپنجه نرم می‌کند. عواملی مانند افت کیفیت لیگ، کم شدن لژیونرها و کمتر بودن لژیونرهای آماده، مدیریت ضعیف و به بیان درست‌تر سوءمدیریت، باعث شده دیگر حتی بحث رقابت با کشورهای چون ژاپن، کره جنوبی، عربستان و قطر هم مطرح نباشد و از کشورهایی که در عرصه دوم فوتبال آسیا محسوب می‌شوند نیز جا بمانیم. چرا که ما همچنان درگیر مسائل ابتدایی‌ای مانند زمین تمرین، مافیای چمن، قراردادهای بدون شفافیت، بدی‌های خارجی و داخلی، دعوای مدیریتی و جولان ذلال‌ها هستیم.

بنابراین تا زمانی که ساختار فوتبال مان اصلاح نشود، حتی بهترین نسل‌ها هم کاری از پیش نخواهند برد. برای به بیان درست‌تر سوءمدیریت، باعث شده دیگر حتی جام ملت‌های آسیا می‌گذرد، حسرت صعود تیم امید به المپیک در هر دوره نمدید می‌شود و وضعیت باشگاه‌ها در مسابقات آسیایی نیز که نیاز به توضیح و یادآوری بیشتری ندارد.

به نظر من حتی رتبه بیستم تیم ملی در رده‌بندی جهانی هم جایگاه واقعی فوتبال ایران را نشان نمی‌دهد؛ چرا که تیم‌های درجه دو و سه آسیا را در گروه شکست دادیم و به جام جهانی صعود کردیم که خود این موضوع امتیازاتی را به همراه داشت. در فیفا‌ی‌ها نیز با تیم‌های گردن‌گفت روبه‌رو نشدیم. ما هیچ برنامه‌ریزی مشخصی نه در لیگ داریم و نه برای تیم‌های پایه. بازیکنان ما راحت‌طلب شده‌اند و بیشتر به فکر بستن قراردادهای سنگین هستند؛ در حالی که نسل ما فقط به فوتبال فکرمی‌کرد و با قراردادهای پایین راضی بود تا در تیم‌های سطح A اروپا بازی کند. به نظر من در فوتبال امروز، همه این مسائل به هم گره خورده‌اند.

در نهایت، بهتر است مدیران فدراسیون فوتبال و باشگاه‌ها توجه داشته باشند که غیبت در جمع بهترین‌ها و وترین فوتبال آسیا، فقط یک موضوع معمولی و ساده نیست. تداوم این روند، پیامدهایی مانند کاهش شانس دیده‌شدن بازیکنان ایرانی، افت اعتبار فوتبال ایران در نگاه AFC، سخت‌تر شدن مسیر انتقال بازیکنان به لیگ‌های معتبر و در نهایت کم‌رنگ شدن جایگاه تاریخی ایران در فوتبال قاره را به دنبال خواهد داشت.

سقوط آرام با قراردادهای غیر واقعی



اردلان آشتیانی
کارشناس فوتبال

برای سقوط آرام فوتبال ایران در قاره آسیا، نشانه‌های فراوان و قابل تأملی وجود دارد. از جمله این نشانه‌ها می‌توان به غیبت فوتبال کشورمان در جمع برترین‌های قاره اشاره کرد؛ موضوعی که به‌تدریج به یک روند و روالی معمول تبدیل شده است. ناآگاهی‌های در پی در سطوح ملی و باشگاهی نیز بخش دیگری از این واقعیت تلخ به شمار می‌رود؛ هرچند

به نظر می‌رسد این مسائل برای مدیران باشگاه‌های فوتبال اهمیت چندانی ندارد. در شرایطی که در فوتبال ایران، مدیران برنامه بازیکنان ارتباط مؤثر و پایداری با اروپا و لیگ‌های معتبر جهان ندارند و از سوی دیگر، بازیکنان جوان ما نیز نتوانسته‌اند کیفیت فنی بالایی را در لیگ داخلی به نمایش بگذارند، طبیعتاً پیامد چنین وضعیتی، حضور محدود بازیکنان ایرانی در لیگ‌های درجه دو و سه قاره سبزی‌با تیم‌های کشورهای حاشیه خلیج فارس خواهد بود.

پس از نسل طلایی فوتبال ایران شامل علی دایی، کریم باقری، مهدی پاشازاده، مهدی مهدوی‌کیا و دیگران، فوتبال ایران تنها در دوره هدایت کارلوس کی‌روش که ارتباط گسترده‌ای با کشورهای صاحب فوتبال داشت. تואست لژیونرهایی همچون علیرضا جهانبخش، سردار آزمون و بازیکنانی مانند احسان حاج‌صفی را راهی تیم‌های مطرح کند. با این حال، در مقطع کنونی، فوتبال ایران در عمل جایگاهی در میان بهترین‌های قاره را ندارد. از سوی دیگر، گل سرسبد مسابقات لیگ برتر ایران، دیدار سنتی دربی تهران میان دو تیم استقلال و پرسپولیس است؛ مسابقه‌ای که شاید در سطح جهانی بینندگان نداشته باشد، اما همان دیدار نیز از نظر فنی آن قدر کیفیت پایداری دارد که اجازه نمی‌دهد نگاه جدی و تحلیلی از سوی فیفا و نهادهای بین‌المللی به فوتبال ایران شکل بگیرد. همچنین در فصل بیستم و پنجم لیگ، تنها امیرمحمّد زرکاری نشانه‌هایی از بروز استعداد را به نمایش گذاشت و در عین حال، مربیان فعال در تیم‌های پایه نیز نقش مؤثری در کشف و پرورش استعدادها ایفا نکردند؛ به‌گونه‌ای که نتوانستیم حتی دو یا سه بازیکن مستعد را به تیم ملی تزریق کنیم. زمانی که قرارداد بازیکنان سطح A فوتبال ایران در لیگ‌هایی همچون پرتغال یا سری A ایتالیا، از قراردادهای داخلی کمتر است، طبیعی است که فوتبالبست‌های ایرانی تمایلی به لژیونر شدن نداشته باشند. برای نمونه، یکی از فوتبالبست‌ها در لیگ پرتغال قراردادی در حدود ۳۰۰ هزار دلار داشت که پس از کسر مالیات، به حدود ۲۰۰ هزار دلار می‌رسید، در حالی که ترجیح داد به ایران بازگردد و بدون پرداخت مالیات، رقیمی نزدیک به یک میلیون دلار از باشگاه ایرانی دریافت کند؛ قراردادی غیر واقعی، بدون تحمل سختی‌های حرفه‌ای فوتبال اروپا. مجموعه این عوامل، بوژه نداشتن لژیونرهای مطرح، موجب افت محسوس کیفیت فوتبال ایران شده و در نهایت نتیجه خوردن به تیم ملی ایران می‌شود. هنگامی که تیم ملی از حضور دو یا سه بازیکن جوان و باانگیزه بی‌بهره باشد، نمی‌توان روی سرعت گردش توپ، پویایی بازی و آینده فنی تیم ملی حساب ویژه‌ای باز کرد. بنابراین، نباید انتظار نتایج شگفت‌انگیز از فوتبال ایران در رقابت‌هایی همچون جام جهانی داشت.